

تعزیه، تعزیه به عنوان هنری مذهبی و توده‌ای که اشرافیت نابودش کرد، ارکان و عناصر سازنده تعزیه، ویژگی‌های تعزیه‌های ایران، پیوند با اسطوره‌های تاریخی و فرهنگی، بررسی تعزیه‌ها، بیگانگان و تعزیه‌های ایران، سرایندگان تعزیه و منبع الهام آنان، تعزیه و نویسندگان و پژوهندگان ایرانی، تاثیر تعزیه در زبان محاوره‌ای، فرهنگ اصطلاحات و اسامی در تعزیه‌ها، تعزیه‌ها و ترتیب و وسایل آنها، تعداد و اسامی تعزیه‌ها، نسخه‌ها و طریقه‌های تعزیه‌خوانی، ترتیب تعزیه‌خوانی، وسایل و ابزار و لباس تعزیه، تعزیه‌خوانان بزرگ و مشهور، محله‌های تعزیه‌خوانی و تعزیه‌خوانان مشهور شیراز، چند تعزیه (عباس، امام رضا، حضرت معصومه، فاینا، حضرت علی اکبر، امام حسن، حر)، تجزیه و تحلیل تعزیه قاسم...

این کتاب که می‌تواند به عنوان یک مرجع قابل توجه در مطالعه تعزیه مورد استفاده علاقه‌مندان و پژوهندگان قرار گیرد، البته از کاستیهایی عاری نیست که درهم آمیختگی و احیاناً تکرر مطالب و ضعف تألیف از آن جمله است و امید می‌رود که در چاپهای بعدی رفع گردد.

تیمور گورگین

ترانه‌های شمال

(سروده‌هایی از شاعران بی‌نام و نشان گیلان و مازندران)

به کوشش: علی عبدلی، چاپ اول - بهار ۱۳۶۸، انتشارات ققنوس - تهران، قیمت: ۱۱۰ تومان

کتاب، حاوی ۳۵۱ ترانه (دو بیتی روستایی و محلی): ۱۸۶ ترانه بگوش تالش، ۱۲۷ ترانه بگوش گیلکی و ۳۸ ترانه بگوش گیلکی مازندرانی با آوانویسی به حروف لاتین و برگردان فارسی، می‌باشد.

در فهرست کتاب، این عناوین به چشم می‌خورد: راهنمای آوانگاری - پیشگفتار - نقشه نمودار - دفتر اول: تالش (در ۳ بخش) - دفتر دوم: گیلکی (در ۳ بخش) - دفتر سوم: مازندرانی (یک بخش) - دفتر چهارم: (واژه‌نامه‌ها)

مؤلف محترم آقای علی عبدلی در آغاز مقدمه ۳۱ صفحه‌ای کتاب، این عبارت را آورده است: «در این کتاب حدود سیصد و پنجاه ترانه که نمونه‌ای کوچک از فرهنگ پزبار و گرانمایه توده‌های مردم شمال کشور ما می‌باشد، گرد آمده است» وی

آنگاه در متن پر حجم کتاب، خاطر نشان ساخته که کار گردآوری ترانه‌های کتاب را از سال ۱۳۵۲ آغاز کرده و ضمن یک جستجوی تدریجی تا سال ۱۳۶۴ آنرا به پایان رسانده است.

اغلب ترانه‌های کتاب، در قالب دو بیتی و دارای چهار مصراع است و قافیه مصراعهای اول و دوم و چهارم آن، همانند یکدیگرند و با وزن: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (در بحر هزج مسدس مقصور). دوبیتی به نامهای دیگری نیز شهرت دارد: فهلوی (جمع آن فهلویات) و یا «ترانک» ولی برگزیدن نام «ترانه» از میان دیگر نامها برای اشعار این کتاب، بیشتر به این سبب می‌باشد که بین دو بیتی عامیانه و دو بیتی‌های غیر عامیانه تفاوتی مشهود است. نخست اینکه در فرهنگ ما، معمولاً دو بیتی را به صورت یک اسم عام به انواع شعرهایی که در دو بیت سروده شده باشد، اطلاق می‌نمایند و حتی به رباعی. ثانیاً سرچشمه پیدایش و چگونگی کاربرد دو بیتی عامیانه، پیوستگی تنگاتنگی با موسیقی دارد.

لذا از بین همه نامهایی که بر این گونه شعر، نهاده شده است، بنظر می‌رسد که واژه «ترانه» رساتر باشد.

مؤلف آنگاه نام اشخاصی را (چه خارجی و چه داخلی) که در حقیقت، پیشقراولان شناخت و شناساندن فرهنگ و دانش عوام سرزمین ایران بودند، آورده و با این یادآوری، خواسته است کار آنان را ارج بنهد. علاوه بر این نامها، اسامی کسانی را هم که در گردآوری، ثبت و ضبط و انتشار موضوعات مختلف مربوط به فرهنگ عامه گیلان و مازندران از جمله ترانه‌های روستایی این دو استان شمال ایران، کوشش‌هایی ارزنده و ثمربخشی مبذول داشته‌اند، قید کرده و نتیجه گرفته است:

«... در جهت شناخت و شناساندن ارزش‌های فرهنگی، اغلب، حق پیشگامی نصیب خارجیان گشته است. در رابطه با گردآوری و انتشار نمونه‌هایی از ترانه‌های عامیانه اهالی شمال میهن ما نیز، آنان پیشگام بوده‌اند» با تقریرات و نوشته‌های مؤلف محترم تا اینجا موافقیم. اما با این قسمت از نوشته وی، کاملاً موافق نیستیم: «تا جائیکه نگارنده آگاهی دارد، هیچ کتابی در زمینه ترانه‌های عامیانه تالشی وجود ندارد و در زمینه ترانه‌های گیلکی و مازندرانی، تنها دو مجموعه به نام‌های «ترانه‌های روستایی گیلک» تألیف علی اکبر مرادیان و «شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران» تألیف اصغر

عبداللهی انتشار نیافته است که آنها نیز نایاب می‌باشد»

برای تکمیل اطلاعات ناقص و شتابزده مؤلف، صمیمانه این یافته‌ها را در اختیار

ایشان قرار می‌دهیم:

۱- کتاب «شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران» (چاپ پیروز) تألیف فتح‌الله صفاری است که در سال ۱۳۴۷ در قطع رقیعی در ۱۶۰ صفحه منتشر شده است، حاوی شرح حال، عکس و اشعار محلی چهل و یک تن از شاعران معروف مازندران مثل: نیما یوشیج، امیرپازواری، طالب آملی، نجما مازندرانی، محمد کاظم گل باباپور، سیدمحمد طاهری (شهاب) و اشعار فارسی خود مؤلف، می‌باشد و نمی‌توان اشعار مندرج در کتاب یاد شده را جزو آثار فولکلوریک قلمداد کرد.

۲- در کتاب «فرهنگ عوام آمل» تألیف مهدی پرتوی آملی از انتشارات: مرکز مردم‌شناسی ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی - شماره ۱۹ - سال ۱۳۵۸ بخشی مهمی به ترانه‌های مازندرانی اختصاص یافته است که بسیار قابل توجه می‌باشد. فصول کلی کتاب از این قرار است: راهنمای آواخوانی - مقدمه - تاریخچه مختصر شهر آمل - اصطلاحات و تعبیرات - امثال و حکم - ترانه‌ها و امیری‌ها - ترانه‌ها - طبری امیری - چیستان - واژه‌های مازندرانی.

۳- کتاب «ترانه‌های روستایی گیلک» گردآورده: علی اکبر مرادیان در سال ۱۳۴۷ در رشت چاپ و منتشر شده است. در حالیکه ما کتابی قدیم‌تر از آن سراغ داریم با عنوان «ترانه‌های ساحل دریای مازندران» که در سال (۱۳۲۳) منتشر شده است. کتاب مذکور، که ۴۵ سال از تاریخ انتشارش می‌گذرد؛ چنین مشخصاتی دارد: نام کتاب: ترانه‌های ساحل دریای مازندران - وزارت فرهنگ - تهران، اداره موسیقی - ۱۳۲۳ - ۵۲ صفحه، قطع وزیری - مقدمه + متن (۳۵ ترانه) با همکاری لطف‌الله مبشری (جمع آورنده)، روح‌الله خالقی (تنظیم و تصحیح) - موسی معروفی (خطاط‌ن‌ها)

موضوع کتاب: مجموعه ۳۵ ترانه از ترانه‌های رایج در کنار دریای خزر (شمال ایران) که هر یک به ترتیب ذیل آورده شده است: شرح بسیار کوتاهی از ترانه، نت، متن ترانه، ترجمه بفارسی، معنی برخی واژه‌ها. ترانه‌ها مربوط به تمامی مناطق شمالی ایران از تالش تا گرگان است.

نمونه متن (مستخرج از صفحه ۴۲ کتاب): ترانه زیور:

«این ترانه در لاهیجان و تنکابن و رشت زیاد شنیده شده و در گرگان هم معمول است و اخیراً در شرف منسوخ شدن است. نام مخصوصی هم ندارد. یکی از کلمات اشعار، به عنوان نام آن انتخاب شد. اشعار آن به وزن دو بیتی می‌باشد و جمله

دیگری در آخر آن می‌خوانند که بعداً اضافه شده و اصل ترانه بهمان کیفیتی است که در اینجا نوشته می‌شود:

سر جاذه، صدای ریزه زنگه
 «زیور» در گردن لاکوی، قشنگ
 پاچ لاکوی، من از بوی تو مستم
 توکل بر خدا، دل بر تو بستم

برگردان: در جاذه صدای زنگوله می‌آید. جواهر در گردن دختر (لاکوی) قشنگ است، دختر کوچولو (کوتاه قد = پاچ لاکوی) من از بوی تو مستم، توکل بر خدا، دل بر تو بستم...»

آقای علی عبدلی مؤلف کتاب «ترانه‌های شمال» در بخش پایانی پیشگفتار و مقدمه، خوانندگان را در جریان چگونگی شیوه تدوین کتابش قرار داده و نوشته است:
 «دو بیته‌های بخش سوم از دفتر اول و دو بیته‌های دفتر سوم این کتاب به شیوه آوانویسی با نشانه‌های لاتین ضبط گردیده است، دیگر دوبیته‌ها که از راه‌های گوناگون و ضمن یک کار تدریجی چند ساله گرد آمده است اغلب با حروف فارسی ضبط و بعداً به کمک گویشوران بومی آوانویسی و ترجمه شده. احتمال اشتباه در این مورد بسیار اندک می‌تواند باشد، زیرا زبان تالشی همانند زبان مادری و زبان گیلکی زبان خانوادگی و زبان نگارنده است...»

با باورداشت به این توضیحات مؤلف محترم است که خواننده، به کتاب ترانه‌های شمال (که خوشبختانه تمیز و خوشچاپ است) راغب می‌شود و آنرا با علاقه می‌خواند، ولی این نقائص (که نشانه غفلت و شتابزدگی مؤلف و مصحح است) او را عصبی می‌کند و فریادش را بر می‌آورد که: یک کتاب با اینهمه نقائص، چرا حتی یک سطر هم توضیح و یا غلط نامه نباید داشته باشد و چرا وجدان کار و خدمت فرهنگی باید دچار بی‌اعتنایی و بی‌اعتباری شود:

۱- مؤلف در صفحات (۷-۸) که مربوط به راهنمای آوانگاری ترانه‌هاست، با اینکه با حروف لاتین نشانه‌های مصوت‌ها و صامت‌ها را با الفبای فارسی انطباق داده، برای حرف صامت (ژ) نشانه‌ای از حرف لاتین ارائه نداده است، اما در ترانه (۹) صفحه ۴۱ از حرف لاتین (Z) که در تمام متن کتاب با حرف صامت (ز) همخوانی دارد، بجای (ژ) استفاده کرده است. در حالیکه از صفحه ۴۷ به بعد شکل (V) مانند بالای سر حرف صامت (Z) قرار داده شده است که بجای حرف صامت (ژ) باید خواننده

شود.

۲- چون اغلب ترانه‌ها با املای درست و تلفظ صحیح ثبت نشده، در نتیجه در آوانویسی آنها به حروف لاتین نیز اخلال بوجود آمده بگونه‌ای که مفاهیم کلمات و معانی واژه‌ها و افعالی که دارای زمان‌های: گذشته، حال و آینده می‌باشد دگرگون شده است!

برای نمونه، شماری از اینگونه ترانه‌ها را (با قید شماره و صفحه) در اینجا ذکر می‌کنیم:

ترانه ۲ (صفحه ۳۸) - ترانه ۶ (صفحه ۴۰) - ترانه ۱۳ (صفحه ۴۳) - ترانه ۱۵ (صفحه ۴۴) - ترانه ۱۷ (صفحه ۴۵) - ترانه ۲۰ (صفحه ۴۷) - ترانه ۲۲ (صفحه ۴۸) - ترانه ۲۴ (صفحه ۴۹) - ترانه ۲۶ (صفحه ۵۰) - ترانه ۱ (صفحه ۱۵۵) - ترانه ۲ (صفحه ۱۵۶) - ترانه ۸ (صفحه ۱۵۹) - ترانه ۲۱ (صفحه ۱۶۵) - ترانه ۳۸ (صفحه ۱۷۴) - ترانه ۴۸ (صفحه ۱۷۹) - ترانه ۱ (صفحه ۱۸۸) - ترانه ۲ (صفحه ۱۸۸) - ترانه ۵ (صفحه ۱۸۴) - ترانه ۵ (صفحه ۱۸۹) - ترانه ۷ (صفحه ۱۹۰) - ترانه ۸ (صفحه ۱۹۱) - ترانه ۱۳ (صفحه ۱۹۳) - ترانه ۱۵ (صفحه ۱۹۴) - ترانه ۱۷ (صفحه ۱۹۵) - ترانه ۱۸ (صفحه ۱۹۶) - ترانه ۱۹ (صفحه ۱۹۶) - ترانه ۲۱ (صفحه ۱۹۷) - ترانه ۲۷ (صفحه ۲۰۰) - ترانه ۳۰ (صفحه ۲۰۲) - ترانه ۳۱ (صفحه ۲۰۲) - ترانه ۳۶ (صفحه ۲۰۵) - ترانه ۳۵ (صفحه ۲۰۴) - ترانه ۴ (صفحه ۲۱۳) - ترانه ۱۲ (صفحه ۲۱۷) - ترانه ۱۴ (صفحه ۲۱۸) - ترانه ۱ (صفحه ۲۳۶) - ترانه ۴ (صفحه ۲۳۷) - ترانه ۶ (صفحه ۲۳۸) - ترانه ۱۷ (صفحه ۲۴۳) - ترانه ۲۱ (صفحه ۲۴۵) - ترانه ۳۱ (صفحه ۲۵۰) - ترانه ۳۳ (صفحه ۲۵۱) - ترانه ۳۶ (صفحه ۲۵۳) - ترانه ۳۸ (صفحه ۲۵۴)

در اینجا قصد نداریم درباره اغلاط چاپی کتاب چیزی بنویسیم؛ زیرا اغلاط چاپی در کتابی که متن آن اغلب دارای نقص و اشتباه است، دیگر مورد نظر نیست! باز به متن کتاب نگاه می‌کنیم:

۱- در کتاب «ترانه‌های شمال» از مجموع ۳۵۱ ترانه بیش از ۶۴ ترانه (دوبیتی) در قالب مثنوی، یک ترانه در سه بیت و یک ترانه در قالب قطعه بچشم می‌خورد که همه آنها در وزن دو بیتی (ترانه) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن است.

۲- کلیه ترانه‌های تالشی، گیلکی و مازندرانی در کتاب «ترانه‌های شمال» رنگ و بوی محلی دارد اما مولف در گردآوری ترانه‌های تالشی علاقه و دقت بیشتری از

خود نشان داده است. این موضوع از بیدقتی در ثبت و ضبط نادرست دوبیتی‌ها و ترانه‌های گیلکی و مازندرانی، توسط مؤلف، دریافت شده است: ضمناً ترانه‌هایی در بخش‌های گیلکی شرق گیلان (بیه پیش) و غرب گیلان (بیه پس) کتاب چاپ شده که دارای یک مضمون و محتوا است اما بیش از دو نوع گویش و لهجه دارد و به اصطلاح دو زیانه و سه زیانه سروده شده است! در حقیقت این نوع ترانه‌ها زادگاه خاستگاه درستی ندارد و محل تولد آنها از دید مؤلف (که بنظر می‌رسد به گویش تالشی مسلط است و از تفاوت‌های گویش شرق و غرب گیلان و همچنین لهجه مازندرانی بی اطلاع می‌باشد) افتاده است:

کیجا مس و کیجا مس و کیجا مس

کیجا نه جو جوئه که بزونه دس

خدا دونه که هیچکس نزونه دس

بهاره وا بند سه شه بیه لس

برگردان:

دختر مست و دختر مست و دختر مست

دختر! سینه‌هایت را چه کسی دست زده است؟

- خدا می‌داند که کسی دست نزده است

باد بهاری وزیده برای خود شل شده است

(صفحه ۲۵ و ۱۲۶ کتاب)

این ترانه، طبق توضیح مؤلف در روستای تپه سرشیرگاه در زمستان ۱۳۵۲ گردآوری شده است.

با همین موضوع ترانه‌ای در صفحه ۲۵ و ۱۵۷ کتاب چاپ شده است با این

توضیح: این ترانه در روستای سیدسرای رضوانشهر در زمستان ۱۳۶۴ گردآوری شده است:

بلور مسته، بلور مسته، بلور مست

بلوره بادرنگه کی بزه دست؟

بلوره بادرنگه کس نزه دست

پیرهن پورا بوسته خوره بوبو مست

در حالیکه می‌دانیم:

همین ترانه با تحریف بعضی از کلمات در شرق و غرب گیلان به دو نوع

گوش در افواه جاریست و بهر حال جزو ترانه‌های گیلکی به شمار می‌رود:

گیلکی شرق گیلان:

بلور مسّ و بلور مسّ و بلور مسّ
 بلور تی بادرنگانه کی بزا دس
 بلور تی بادرنگانه مونزئم دس
 سو ماه گیلان بمانس، خو بیولس

گیلکی غرب گیلان:

بلور مست و بلور مست و بلور مست
 بلور تی بادرنگه کی بزه دست؟
 - بلور- می بادرنگه کس نزه دس
 بخانه بشامه ای ری بو کودس

این ترانه را ما از صفحه ۲۰ کتاب «ترانه‌های روستایی گیلک» گرد آورده‌ایم. اکبر مرادیان نقل کرده‌ایم. لازم است در همین جا یاد آور شویم: مؤلف کتاب «ترانه‌های شمال» آقای علی عبدلی بیش از ۱۹ ترانه گیلکی نواحی حومه رشت، پیربازار، سنگر و کسبغ (نواحی غرب گیلان) را در کتاب خود (با تحریف بعضی از کلمات) چاپ کرده و مأخذ به خواننده کتابش ارائه نداده است. در حالیکه مؤلف، این ترانه‌ها را از کتاب ترانه‌های روستایی گیلک (مجموعه ۱۴۸ ترانه) اخذ کرده و در کتابش چاپ نموده است:

- ترانه ۱ (صفحه ۱۵۵) - ترانه ۵ (صفحه ۱۵۷) - ترانه ۲۲ (صفحه ۱۶۶) -
 ترانه ۳۰ (صفحه ۱۷۰) - ترانه ۲۱ (صفحه ۱۶۵) - ترانه ۴۰ (صفحه ۱۷۵) - ترانه ۳
 (صفحه ۱۸۸) - ترانه ۵ (صفحه ۱۸۹) - ترانه ۹ (صفحه ۱۹۱) - ترانه ۱۰ (صفحه
 ۱۹۲) - ترانه ۱۹ (صفحه ۱۹۶) - ترانه ۲۰ (صفحه ۱۹۷) - ترانه ۲۲ (صفحه ۱۹۸) -
 ترانه ۲۶ (صفحه ۲۰۰) - ترانه ۳۱ (صفحه ۲۰۲) - ترانه ۳۲ (صفحه ۲۰۳) - ترانه ۱۶
 (صفحه ۲۱۹) - ترانه ۲۶ (صفحه ۲۲۴) -

خواهش - خواهش - خواهش - خواهش - خواهش - خواهش - خواهش - خواهش
 خواهشمنندیم وجه اشتراک سال ۱۳۶۹ را (ایران: ۵۰۰۰ ریال و خارجه:
 ۱۰۰۰۰ ریال) هر چه زودتر بفرستید. کمک بزرگی است به ما.